

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال ششم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۳

صص ۹۹-۱۱۶

بررسی رابطه همنشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

(کارکنان شهرداری کلانشهر تبریز)

کریم قدرتی^۱

دکتر صمد صباغ^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی رابطه همنشینی دوستانه با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری تبریز می‌باشد. که با استفاده از روش تحلیلی پیمایشی انجام گردید. جامعه‌ی آماری این مطالعه کارکنان شهرداری کلان شهر تبریز است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه است که سئوالات آن بر اساس طیف لیکرت در پنج درجه تنظیم گردید. حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران ۲۴۹ نفر بود که با استفاده از دو روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و تصادفی ساده انتخاب گردید. برای ارائه نتایج از روش‌ها و آماره‌های توصیفی و نیز برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر ۱۳۵ است که این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۱۰۵) در حد بالاتری قرار دارد و نشان می‌دهد که کارکنان در شهرداری مذکور از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند. نتایج نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری تبریز با همنشینی دوستانه رابطه‌ای معنادار دارد. **واژگان کلیدی:** مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همنشینی دوستانه، کارکنان و شهرداری کلان شهر تبریز.

مقدمه

از جمله مسائلی که امروزه تفکر و تعمق درباره آن مهم به نظر می‌رسد، مسئولیت اجتماعی کارکنان است. مسئولیت اجتماعی به مثابه‌ی جواز اجتماعی، شکلی از بیمه در برابر خطرهای پیش‌بینی نشده در سازمان و هم‌چنین نوعی شهرت و منافع عمل می‌کند (Fernando, 2007: 6).

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - ایران.
۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز - ایران.

ترنر مسئولیت اجتماعی را رفتار اخلاقی، قانونی و نوع دوستانه درمحل کار، بازار و اجتماعات تعریف می‌کند که در آن سوددهی جمعی به عنوان هدفی مهم در نظر گرفته می‌شود (Turner, 2004: 5).

کاستکا و بالزاروا مسئولیت اجتماعی را تعهد مداوم برای رفتار به شیوهی اخلاقی و با بهبود کیفیت زندگی افراد و خانواده‌های‌شان، به علاوه بهبود اجتماع و جامعه در مقیاس وسیع‌تری می‌داند (Castka & Balzarova, 2007).

۲۷۶ ایران نژادپاریزی بر این باور است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به طور کلی علاوه بر تامین منافع خودشان، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورد (نژادپاریزی، ۱۳۷۱: ۲۴).

مارکمن و تتلوک مسئولیت‌پذیری اجتماعی را فرایندی اجتماعی دانسته‌اند که افراد از طریق آن خود را جزئی از سازمان می‌دانند و گرایش می‌یابند که همواره این سازمان را موفق ببینند. در واقع مسئولیت‌پذیری اساسی‌ترین شیوه جهت‌دهی به فعالیت افراد در سازمان است، چرا که از درون افراد سرچشمه می‌گیرد و یک تعهد درونی برای انجام کارها به نحو مطلوب و با حداکثر توانایی است (مارکمن و دیگری، ۲۰۰۰).

در جمع‌بندی از تعاریف فوق از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌توان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش اجتماعی مورد انتظار از افراد بر اساس تقسیم‌کار انجام یافته، در برابر خویش و انسان‌های دیگر جامعه برای برقراری یک زندگی اجتماعی مطلوب و توأم با آرامش و رفاه و همبستگی بیشتر تعریف کرد. به عبارتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند فاصله اجتماعی کارکنان یک سازمان را با افراد دیگر آن جامعه تعیین کند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری‌های هر شهر با توجه به شرح وظایف متعدد تعریف شده در قوانین و مقررات شهرداری‌ها و تبصره‌های مصوب و ابلاغ‌های مستمر و مکرر از طریق قوه مقننه و قوه مجریه و در برخی موارد آرای وحدت رویه‌های صادره از دیوان عدالت کشور می‌تواند به عنوان موضوعی با اولویت مطالعه علمی برای محافل علمی و مسئولین شهرداری‌ها قرار گیرد. در طول سال‌های گذشته تاکنون شهرداری‌ها، جزء حساس‌ترین سازمان‌های مسئول در شهرها می‌باشند که بر خلاف سایر ارگان‌ها بیشترین مراد و برخورد خدماتی را کارکنان شهرداری کلانشهر تبریز در طول شبانه‌روز با اقشار مختلف مردم حتی سایر ارگان‌ها و ادارات و بخش‌های خصوصی و نیمه خصوصی و نظامی را به عهده دارند و موظف به پاسخگویی در خصوص کیفیت یا نواقص خدمات ارائه شده می‌باشند به صورتی که نقص در ارائه خدمات مثلاً در تنظیف شهر و جمع‌آوری زباله یا نقص در ارائه خدمات حمل و نقل عمومی می‌تواند ساکنین آن شهر را مورد تهدید جدی قرار داده و مشکلات و عواقب سوء مختلفی به همراه داشته باشد.

این پژوهش تلاش می‌کند رابطه علمی هم‌نشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین کارکنان شهرداری کلان شهر تبریز را بررسی و تعیین کند و با ارائه یک الگوی مناسب از نحوه تعاملات این مقوله‌ها با یک‌دیگر، مسئولان مربوط را علاوه بر آشنا نمودن بیشتر با واقعیت‌های موجود، در فراهم‌سازی بستر مناسب جهت گسترش مسئولیت‌پذیری برای اجرای مطلوب نقش‌های اجتماعی، کارکنان شهرداری را یاری دهد.

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه همنشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری کلان شهر تبریز است.

پیشینه تحقیق

یافته‌های پژوهش در مورد رابطه بین ارائه تسهیلات رفاهی با مسئولیت‌پذیری کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی نور، نشان داد که بین این دو رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به این که از بین تسهیلات رفاهی تنها تسهیلات اعتباری با مسئولیت‌پذیری رابطه داشت می‌توان با افزایش میزان تسهیلات، تقویت نظام توزیع عادلانه، پاسخ به نیازهای ضروری مرتبط در افزایش مسئولیت‌پذیری کارکنان موثر واقع شد. و در نهایت با توجه به عدم رابطه معنی‌دار بین ارائه تسهیلات رفاهی با مسئولیت‌پذیری کارکنان، شاید عوامل غیرمادی مانند همکاری بین کارکنان، احترام متقابل بین سازمان و کارکنان و توجه به نیازمندی‌ها و ابعاد روانی و اجتماعی کارکنان بر ارتقاء مسئولیت‌پذیری کارکنان موثر واقع شود، لذا انجام پژوهش‌هایی جهت تعیین تاثیر این عوامل بر مسئولیت‌پذیری پیشنهاد می‌گردد (نصیری‌پور و همکاران، طرح پژوهشی).

در مطالعه‌ای با ارائه مدلی تلفیقی، تاثیرات برنامه‌های آموزشی بر رویکرد حفظ محیط زیست مسئولیت‌پذیری اجتماعی بررسی شده است. نتایج بیان می‌دارند مدل تحقیق، مدلی قوی برای پیش‌بینی رویکرد حفظ محیط زیست مسئولیت‌پذیری بوده و این که برنامه‌های آموزش منابع انسانی و مدیریت دانش تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند. در نهایت چهار اقدام آموزشی راهبردی برای بهبود بحران‌های زیست محیطی در جهت تدوین استراتژی جامع، آموزش مسئولیت محیط زیست در پست‌های سازمانی، آموزش آشنایی با قوانین محیط‌زیست و اجرای برنامه‌های آموزشی جهت ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر محیط زیست پیشنهاد می‌شود (رضایی راد، طرح پژوهشی).

سعیدی مقدم (۱۳۷۴) از دانشگاه تربیت معلم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در مورد ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان تحقیقی به عمل آورده و به مقایسه‌ی فرزندان و گروهی از مادران مذهبی و غیرمذهبی پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد که فرزندان مادران مذهبی و غیرمذهبی از نظر مسئولیت‌پذیری تفاوتی با یکدیگر ندارند، اما زمانی که مادر مذهبی بودن را به معنی مسئول بودن در برابر خدا و دستوراتش بداند، اساس حس مسئولیت‌پذیری به فرزند هم منتقل می‌شود (اسکویی، ۱۳۸۸؛ به نقل از زیوردار، ۱۳۸۵).

در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین سبک زندگی دبیران با میزان مسئولیت‌پذیری آنان در شهرستان ملکان انجام و نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه معنی‌داری بین سبک زندگی و میزان مسئولیت‌پذیری دبیران بود طبق آزمون t میزان مسئولیت‌پذیری و ابعاد آن به غیر از بعد فرهنگی بر اساس سبک زندگی دبیران متفاوت بدست آمد و دبیرانی که سبک زندگی مدرن داشتند مسئولیت‌پذیرتر از سایرین بودند. همچنین میزان مسئولیت‌پذیری بر اساس جنسیت دبیران نیز معنی‌دار به دست آمد و دبیران مرد متعهدتر و مسئولیت‌پذیرتر از زنان بودند. ولی بین جنسیت و سبک زندگی دبیران رابطه معنی‌داری به دست نیامد (نریمان‌زاده، ۱۳۹۱).

پورکران (۱۳۸۵) طی تحقیقی که در بین دانش‌آموزان دختر و پسر تیزهوش و عادی در رابطه با مسئولیت‌پذیری و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به عمل آورده به این نتیجه رسیده که بین درون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی منفی وجود دارد به طوری که هر چه درون‌گرایی بیشتر بوده مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مقابل کمتر بوده است. همچنین بین سطح بالای تفکر و مسئولیت‌پذیری نیز رابطه‌ی مثبت برقرار بوده است به این صورت که شخصی که دارای سطح بالایی از مسئولیت‌پذیری باشد، مسئولیت‌پذیری بیشتری را نیز خواهد داشت. در واقع می‌توان گفت از مهم‌ترین نتایج این تحقیق این است که به منظور بالا بردن مسئولیت‌پذیری لازم است تا افراد از دامنه‌ی درون‌گرایی به برون‌گرایی حرکت نمایند.

در مطالعه‌ای که با هدف بررسی تاثیر جامعه‌پذیری سازمانی بر مسئولیت اجتماعی کارکنان بر شرکت نفت کرمانشاه انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد کارکنان در سازمان مذکور از مسئولیت‌پذیری کمتری برخوردارند. نتایج نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سازمانی با مسئولیت اجتماعی در همه ابعاد دارای رابطه معنادار است. نتایج نشان می‌دهد کارکنان برای انجام مشاغل که به آنان واگذار می‌شود، به مهارت‌های ویژه نیاز دارند، ولی آنان به آگاهی از هدف‌های بنیادی سازمان، وسیله‌های دستیابی به این هدف‌ها، مسئولیت‌های کاری خود و الگوهای رفتاری مورد پذیرش برای نقش‌هایی که از آنان توقع می‌رود نیز نیاز دارند. بنابراین، کارکنان از راه پذیرفته شدن در اجتماع سازمان، به شکل رسمی یا غیررسمی، از راه تماس‌های پیوسته و تجربه کاری با دیگران، به این اطلاعات دست می‌یابند (حقیقتیان، ۱۳۹۲).

چارچوب نظری

هانس ورنر بیرهوف

پروفسور هانس ورنر بیرهوف در طی مطالعاتش در زمینه روان‌شناسی اجتماعی و با انتشار کتاب‌هایی چون مسئولیت (۲۰۰۱) و نوع‌دوستی در نظام‌های اجتماعی (۲۰۰۲) در باب مسئولیت‌پذیری اجتماعی به بیان نظرات خود پرداخته است. بیرهوف معتقد است که مسئولیت اجتماعی دارای دو معنی است: معنای نخست به بسط توجه به دیگری و اطمینان از رفاه دیگران در زندگی جمعی اشاره کرد که وی این بخش را در ارتباط با همدمی می‌بیند و در معنای دوم دست یافتن به اهداف فردی بدون در نظر گرفتن انتظارات به حق دیگران که وی آن را در ارتباط با احساس گناه می‌داند (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

بیرهوف مسئولیت اجتماعی را برای جوامع کنونی عمدتاً که با تقسیم کار بالا و پیچیدگی روابط مشخص نمی‌شوند لازم دانسته و معتقد است که روابط افراد با یکدیگر می‌بایست با معیارهای اخلاق اجتماعی تنظیم گردد. این امر از یک سو باعث می‌شود تا ما در بسیاری رفتار و عملکردهای خویش که صرفاً ناظر به اهداف فردی و شخصی است تجدیدنظر کنیم و نیز از سوی دیگر تا بسیاری از رفتارهای ما برای دیگران و برعکس، رفتار دیگران برای ما در موقعیت‌های مختلف اجتماعی قابل پیش‌بینی گردد.

او همچنین اظهار می‌دارد که معیارهای اخلاقی مسئولیت، می‌تواند یکی از مختصات جهانی جوامع بشری قرار گیرد. لذا در همین راستا به نقل از لیلی و لوبر می‌نویسد که مسئولیت‌پذیری را می‌توان در روابط مختلف از جمله، در روابط والدین و فرزندان و بین دوستان و همسایگان و در میان اعضای یک گروه مشاهده کرد. اما تجلی واقعی و نمود مشخص آن را می‌توان در روابط بین‌گروهی و برون‌گروهی مشاهده کرد (Lili & Lubber, 2001: 228).

بنابراین از نظر بیروهوف مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهم‌ترین خصلت‌های اجتماعی است که در قالب روابط مبتنی بر همدلی و عاطفه میان افراد جامعه نمود می‌یابد.

امیل دورکیم

از نظر دورکیم انسان موجودی است دو بعدی که یک بعد آن بدن و میل و اشتهاها و بعد دیگر شخصیت اجتماعی وی است از میان دو بعد مذکور تنها بعد اجتماعی توسط جامعه جنبه انسانی پیدا می‌کند و انسان به معنای کامل آن شکل می‌گیرد. به نظر دورکیم حالات نفسانی و نیازهای انسان به وسیله اخلاق مشترک تحت نظر قرار می‌گیرد، قواعد اخلاقی دارای خصوصیات اجباری هستند و اخلاق جمعی هم به صورت بیرونی و هم از طریق درونی افراد را تحت فشار قرار می‌دهند. واقعیت‌های اجتماعی غیرمادی به عنوان عوامل بیرونی، اندیشه و کنش انسان را شکل می‌دهند اما عامل درونی که افراد خود را از طریق آن کنترل می‌کنند اخلاق اجتماعی درونی شده آن‌ها است (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷).

به عقیده دورکیم آن‌چه که افراد یک جامعه را گرد هم می‌آورد و موجب پیوند میان آن‌ها می‌شود یک اخلاق مشترک نیرومند و قوی یا همان وجدان جمعی است که شیرازه جوامع ابتدایی تا نوین است (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷) از نظر دورکیم قسمت عمده حالت‌های وجدانی، از طبیعت روان‌شناسی ما نیست، بلکه بیشتر ناشی از نحوه تعامل و برخورد افرادی است که با هم در ارتباط‌اند و از هم تاثیر می‌پذیرند میزان اثرپذیری افراد از یکدیگر به تعداد دوری و نزدیکی آن‌ها از یکدیگر بستگی دارد و چون وجدان جمعی محصول زندگی جمعی و گروهی است فقط می‌توان از دیدگاه گروه آن را توجیه کرد و حجم و تراکم گروه نیز در چگونگی شکل‌گیری وجدان جمعی موثر است. دورکیم معتقد است برای شکل‌گیری امر اجتماعی، باید وجدان‌های فردی به شکل خاص به هم پیوندند و در واقع زندگی اجتماعی حاصل همین ترکیب است (توسلی، ۱۳۸۵: ۶۶).

تالکوت پارسونز

پارسونز در نظریه کنش اجتماعی خود، فرد را به عنوان یک کنشگر اجتماعی در نظر می‌گیرد که این کنشگر دارای اراده عمل و اختیار می‌باشد. به عبارت دیگر فرد بعنوان یک عضوی از یک کل به نام نظام اجتماعی است که در حال کنش و فعالیت می‌باشد. وی معتقد است که کنش افراد در درون نظام اجتماعی به گونه‌ای می‌باشد که منطبق بر خواست نظام اجتماعی عمل کنند و همین امر زمینه‌ساز نظم اجتماعی خواهد بود (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴ و کرائیب، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۳).

پارسونز ضمن ارادی خواندن کنش افراد در عین حال، کنش اجتماعی متأثر از چهار خرده نظام قرار می‌گیرد: ۱. خرده نظام فرهنگی که بر اساس آن می‌توان گفت نماد دینی به نوعی مسئولیت ثبات اخلاقی جامعه را به عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگی حمایت می‌کند.

۲. نهادهای قانونی و حقوقی که هنجارهای اجتماعی را تنظیم می‌کنند و در کل اشاره دارند به خرده نظام اجتماعی.

۳. نهادهای اقتصادی که حیات اقتصادی جامعه را از طریق انطباق با محیط طبیعی تامین می‌سازد.

۴. نهادهای سیاسی که مأمور مراقبت از اهداف عمومی جامعه است (همان: ۲۴).

بنابراین کنش اجتماعی از نظر پارسونز ارادی و داوطلبانه است که در بستر اجتماعی (نظام اجتماعی) و با توجه به کارکرد و نقش‌هایی که دارند صورت می‌گیرند. یعنی کنش افراد در جامعه در عین ارادی بودن تحت شرایط اجتماعی آن جامعه که در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نمود دارند سمت و سوی جمعی و اجتماعی به خود می‌گیرند که این امر موجب نظم جامعه خواهد بود.

نظام اجتماعی از نظر پارسونز، قبل از هر چیز شبکه‌ای از روابط متقابل میان افراد و گروه‌ها است. کنشگران نظام اجتماعی تنها افراد منفرد نیستند، بلکه گروه‌های اجتماعی، اجتماعات محلی یک ملت را نیز در بر می‌گیرند. این طرح نمای کنش متقابل پارسونزی به ما اجازه می‌دهد تا دامنه طرح‌مان را در همه سطوح واقعیت اجتماعی به کار ببریم و صرفاً به سطح کنش متقابل فردی محدود ننماییم. پارسونز برای این که یک کنش متقابل اجتماعی تحقق یابد، سه عنصر را لازم می‌بیند که این سه عنصر عبارتند از:

نخست این که باید میان کنشگران، انتظارات متقابل وجود داشته باشد تا عمل خود نزد دیگری و بر عکس عمل دیگری نزد خود در موقعیت‌های متعدد اجتماعی قابل پیش‌بینی گردد. دومین عنصر کنش متقابل هنجارها و ارزش‌ها است. عنصری که مبنای ملاک ارزیابی در عنصر اول است و رفتارکنندگان را اداره می‌کند.

سومین عنصر، ضمانت اجراهای رسمی یا غیررسمی هستند که بر اساس آن نظام پاداش یا کیفر برای کنش‌ها تعیین می‌گردد. از ترکیب این سه عنصر است که پارسونز به مفهوم نقش اجتماعی می‌رسد که مجموعه انتظارات، هنجارها و ضمانت اجراهای نهادی شده آشکار و پنهانی است که رفتار کنشگران (جوان) را به واسطه‌ی موقعیتی که در ساختار اجتماعی دارند (شهروندی)، تعیین می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۹۶-۹۵).

پارسونز در تحلیل خود در درجه نخست به نقش‌های اجتماعی توجه دارد تا به کنشگران جمعی، به این صورت که افراد کنشگر، بیشتر و قبل از هر چیز به عنوان ایفاگر نقش‌های اجتماعی هستند. نقش متشکل از دو بخش «انتظارات من» و «مسئولیت» می‌باشد. مسئولیت به دو گونه انجام می‌شود: بر اساس اجبار یا همان کنترل بیرون و یا احساس تکلیف نسبت به جمع که در قالب الزام درونی نمایان می‌گردد. وی حالت

اخیر را معرف نهادینه شدن به معنای عملکرد مثبت می‌بیند. در حالت نهادینه شدن جهت‌گیری‌های فرد همیشه به سمت جمع و نظام اجتماعی خواهد بود. کنش متقابل که پارسونز از آن یاد می‌کند اساساً همانند یک مبادله است.

همان‌طوری که گفته شد مسئولیت‌پذیری از جمله ویژگی‌هایی است که در جریان اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری در فرد شکل می‌گیرد و به خاطر زمینه‌های روانی و اجتماعی آن، در سطوح فردی و اجتماعی قابل بررسی است. بر همین اساس صاحب‌نظران و محققان در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود کمتر مساله مسئولیت‌پذیری را بصورت جداگانه و موضوع خاص قرار دادند. بلکه بیشتر به این موضوع در قالب مساله اجتماعی شدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی‌کننده جامعه، از جمله خانواده و مدرسه که به ترتیب اولین و دومین محیط و عامل اجتماعی‌کننده افراد است، پرداخته‌اند. در ارتباط با اجتماعی شدن، دیدگاه‌های متعددی توسط جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی مطرح گردیده است که هر کدام عوامل و عناصری را به عنوان متغیرهای موثر در اجتماعی شدن مورد تاکید قرار دادند (خوش‌بین، ۱۳۹۰).

ساومس میلر

وی در اثر خود «کنش اجتماعی» ضمن اشاره به انواع کنش فردی و جمعی، ضرورت و اهمیت اخلاق مسئولیت و توجه به حقوق دیگران را در کنش جمعی مورد توجه قرار می‌دهد. میلر به طور کلی، اظهار می‌دارد که در امر مسئولیت‌پذیری جمعی سه نوع مسئولیت‌پذیری را می‌توان از هم تشخیص و تفکیک نمود. نخست، مسئولیت‌پذیری طبیعی که بر اساس آن هر کنشگری به طور خودکار و شخصی قائل به آن است. چیزی که ما از آن در تقسیم‌بندی خود تحت عنوان مسئولیت‌پذیری شخصی از آن نام بردیم. مسئولیت‌پذیری نسبت به نقش، نوع دیگری است که میلر مطرح می‌کند. بر اساس آن کنشگر با توجه به نقش و موقعیت خویش مکلف است تا آن را به جا آورد. در این نوع در نظر گرفتن دیگران بنا به نقش - های تعیین شده لازم است و لذا فرد را متعهد به انجام آن می‌نماید.

و نهایتاً، مسئولیت‌پذیری اخلاقی که به زعم میلر، از آن‌جا که اشاره به بد و خوب بودن چیزی و عملی دارد، لذا می‌تواند امری نسبی تلقی شود. اما باید توجه داشت که در بحث از مسئولیت‌پذیری جمعی، اخلاقی بودن و نظر به حقوق دیگران عنصر اصلی تلقی می‌گردد.

میلر بر این باور است که مسئولیت‌پذیری از حقوق برمی‌خیزد و با مطرح کردن انواع حقوق، (حقوق فردی، جمعی و بین‌المللی) بیان می‌دارد که مسئولیت‌پذیری نیز در این سه سطح قابل بررسی خواهد بود. وی در ادامه، عامل وابستگی افراد در امور مختلف جامعه را مطرح می‌کند و می‌گوید که این وابستگی، نقش مهمی را در مسئولیت‌پذیری جمعی کنشگران ایفا کرده، به طوری که بدون این وابستگی پذیرفتن مسئولیت معنایی نمی‌داشت. او در این رابطه یک محیط کارگاهی را مثال می‌زند که در آن هر کسی به منظور انجام بهتر کار می‌بایست در قبال نقش خود مسئولیت‌پذیر باشد.

این امر نه تنها از نظر فردی (مسئولیت‌پذیری فردی-طبیعی) برای او مهم است، بلکه می‌بایست به لحاظ جمعی (مسئولیت‌پذیری جمعی) نیز مهم باشد (Miller, 2004: 234-245). بنابراین از نظر میلر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (جمعی) بر محوریت اخلاق جمعی و توجه به نقش‌های اجتماعی است که می‌چرخد و نیز وابستگی افراد در امور مختلف به خصوص در عصر کنونی آن را موجب و مهم می‌نماید.

ماکس وبر

به نظر وبر اخلاق اعتقادی بر بنیان وجدان درونی افراد شکل می‌گیرد. زمانی که نتیجه یک عمل که بر اساس اخلاق اعتقادی صورت گرفته باشد، نتیجه‌ای نامطلوب داشته باشد. طرفدار اخلاق اعتقادی مسئولیت آن را نه به فاعل کنش، بلکه به جهان، به حماقت‌های آدمیان یا حتی به اراده الهی که آدمیان را چنین خلق کرده است نسبت می‌دهد. اما اخلاق مسئولیت بر عکس همراه است با انجام عمل با استناد به پیامدهای آن. برطبق اخلاق مسئولیت گفته می‌شود که کنشگر بایستی در موقعیت اجتماعی قرار گرفته و با لحاظ کردن تصمیم‌های ممکن اقدام به عمل نموده که این عمل وی با خود پیامدهایی را، که به زعم وبر غالباً مثبت و در راستای خیر جمعی است در پی خواهد داشت. وبر تمایل داشت تا شهروند فلورانس را که به اعتقاد ماکیاول عظمت مدینه را به رستگاری روح خویش ترجیح داده است به عنوان نماد و سمبل اخلاق مسئولیت در نظر بگیرد (آرون، ۱۳۸۶: ۵۵).

وبر که با مشاهده روند بورکراتیزه شدن و عقلایی شدن فراگیر نتایج این روند را چندان مطلوب نمی‌دید، از شخصیت‌زدایی، از خود بیگانگی و نابودی تعهد اجتماعی به عنوان نتایج تلخ این بورکراتیزه شدن یاد می‌کرد (کوزر، ۱۳۸۷: ۳۱۸).

لذا برای مرتفع کردن این مشکلات وی بر اهمیت داشتن اخلاق مسئولیت و خیر جمعی در کنار منافع شخصی تاکید داشت. هدف اساسی و اصلی در اخلاق مسئولیت همانا کارایی و اثربخشی است و بر این اساس نیازمند انتخاب وسایل متناسب با هدف‌های مورد نظر می‌باشد (کوزر، ۱۳۸۷: ۵۹۶).

اراده‌گرایی کنشگر در نزد وبر اهمیت حیاتی دارد. او با اذعان به وجود ارزش‌هایی که همگی در اجتماع بشری شکل گرفته‌اند، اظهار می‌دارد که ما در یک اجتماع مجبور به انتخاب‌هایی هستیم که این امر فداکاری-هایی را با خود به همراه خواهد داشت. در واقع وبر توجه به منافع جمعی را در جامعه، لازمه‌ی اخلاق مسئولیت می‌داند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در آراء وبر می‌توان در رجوع به تمایز و تفکیکی که بین انواع کنش قائل بود نیز درک کرد. تلاش وبر در جامعه‌شناسی بر این بود تا به شیوه‌ایی ملموس زندگی انسان‌ها را در متن جامعه بفهمد. این که انسان‌ها چگونه در اجتماع و جامعه رفتار می‌کنند، چگونه به روابط اجتماعی شکل می‌دهند و چگونه آن‌ها را دستخوش تغییر می‌کنند. از اینرو بر مفاهیمی چون کنش جمعی و مسئولیت-پذیر بودن در قبال کنش تاکید اساسی داشت (Tarnier & Rojek, 2001: 114-115).

وبر جامعه‌شناسی را علمی می‌دانست که در راستای فهم کنش اجتماعی است. منظور وی از کنش در واقع یک رفتار انسانی (خواه به عنوان کنش بیرونی و خواه یک کنش درونی) می‌باشد و بر در همین رابطه از انواع کنش بحث می‌کند و آن‌ها را از یکدیگر تمیز می‌دهد.

۱. کنش سنتی: غالباً مبتنی بر یک کنش ماشینی و اطلاعات ناآگاهانه از کنش اجتماعی است.

۲. کنش عاطفی: در بر گیرنده عناصر غیر قابل فهم از سنخ غریزی، حسی و هیجانی است که باید از راه روان‌شناسی یا روان‌کاوی تبیین گردد.

۳. کنش معطوف به ارزش: رفتاری که عمدتاً از اعتقاد کنشگر الهام می‌گیرد. در این حالت با اخلاقی کامل، خود را در خدمت یک ارزش یا یک آرمان از سنخ دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن قرار می‌دهد. با احساس به این که خود را برای انجام فلان عمل بی‌چون و چرا ممکن می‌بیند.

۴. کنش عقلانی معطوف به هدف: رفتاری است که در آن بالاترین درجه بدهت عقلانی مطرح است سرشت رفتار مزبور این است که وقتی هدف آن پس از تفکر عمیق تعیین شده مناسب‌ترین وسایل را با به حساب آوردن پیامدهای قابل پیش‌بینی که ممکن است جریان عمل را دچار مشکل کند، انتخاب می‌کند. این نوع کنش مختص جوامع کنونی است که در آن کارها و روند امور بیش از هر زمان دیگری عقلانی و مبتنی بر محاسبه سود و زیان گشته است و همین امر است که و بر را از کاهش توجه به خیر جمعی به نفع خیر شخصی نگران می‌سازد (به نقل از خوش‌بین، ۱۳۹۰).

در نهایت می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری اجتماعی از نگاه وبر یک خصیصه اخلاقی است که معطوف به اهداف جمعی است تا فردی. لذا به زعم او داشتن رفتار مسئولانه در قبال دیگران و توجه به مبانی ارزش‌های جمعی در جامعه نوین که در آن کنش‌ها هرچه بیشتر عقلانی و معطوف به اهداف شخصی شده است، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد.

زیمبل

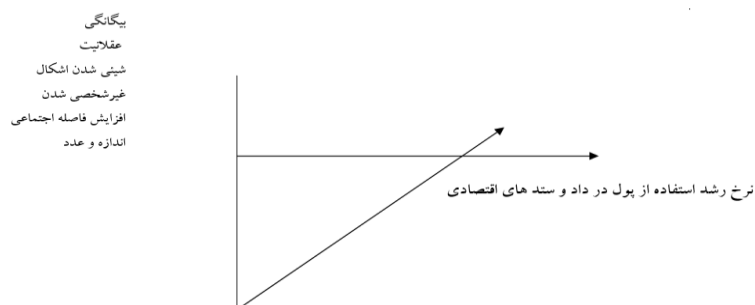
در جوامع جدید که ساخت اجتماعی و صدور جامعه‌شناختی روابط اجتماعی بصورت ساخت‌های مستقل مجزا و عینی، حاکم بر رفتار انسان‌اند، انواع روابط اجتماعی - اقتصادی و به مراتب خلق و خوی انسان معاصر را نیز متحول می‌سازد. افزایش اندازه‌ی جامعه و عدد افراد باعث شده است که فاصله‌ی میان افراد زیادتر شود و موجب گردد تا انسان از بار تعلقات عاطفی، شخصی و فامیلی خارج و تحت قوانین مجرد و غیرشخصی جامعه بزرگ، به عنوان یک عضو «گمنام» عمل کند. بدین شکل که فاصله‌ی زیاد باعث می‌شود تا در نوع جدید جامعه، افراد تحت حکم و سلطه خود نه با برخوردهای شخصی، بلکه با قوانین و اصول غیرشخصی و عینی اداره نمایند. از این روی تحمل ساختی و سلطه حاکمیت توسط افراد راحت‌تر و با کمترین تنش‌های روحی انجام شده و باعث می‌شود تا گرایش به زندگی در جوامع جدید افزایش یابد. پس روستاها به شهرها تبدیل می‌شود و افراد فامیل و آشنایان محلی به غریبه‌هایی بدل می‌گردند که در شهرهای بزرگ توده عظیم و انبوه غریبه‌ها یا گمنامان شهروند را تشکیل می‌دهند. روابط اجتماعی

در میان این انبوه غریبه‌ها نیز از نوعی روابط غیرشخصی، عینی و دیکته شده توسط نظام اداری عقلانی حاکم سخن می‌گوئید (تنهایی، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

پول معیار واقعیت‌ها

اگر توجه کنیم که چگونه ساخت فاصله‌دار جامعه جدید منجر به غیرشخصی شدن اصول و پایه‌های اصل جامعه می‌شود و این فرایند اگرچه به شیئی شدن نظام کمک می‌کند موجب افزایش عقلانیت در نظام اجتماعی می‌گردد آنگاه به نزدیکی هرچه بیشتر وبر و زیمل پی خواهیم برد و نیز اگر به اهمیت تاثیر پول بر فرهنگ عینی و دنیای درونی انسان هر عصر توجه کنیم، تاملات وی را در قلمرو جامعه‌شناسی مارکس روشن‌تر می‌بینیم ولی زیمل نه راه مارکس را پی گرفت و نه راه وبر را. او برآن بود که هم‌چون مارکس و وبر تاثیر پول و نظام اقتصادی بر جوامع و فرهنگ عینی و ذهنی همیشه با نوعی زندانی کردن انسان در چارچوب فرایند عینی ساخت جامعه همراه است، اما نه سوسیالیسم یا کمونیسم و نه هیچ تجربه دیگری قادر به نجات و رهایی انسان از این زندان، یا به قول وبر «قفس آهنین» نخواهد شد.

هم‌چنین برخلاف وبر بر آن بود که نه کنش‌مندی انسان یا فرایند تفسیر مشترک، بلکه فاصله میان افراد، با همراهی و کارکرد تسریع‌کننده پول به عنوان میانجی و معیار داد و ستد اجتماعی - اقتصادی، تعیین‌کننده ویژگی‌های عصر بورژوازیک است. پس پول در فرایند روزافزون فاصله اجتماعی موجب می‌شود که جامعه نه براساس کنش‌مندی انسانی، بلکه بر مبنای ساخت‌های فرایند گونه‌ی عینی و فشارآوری عمل کند که هر چه بیشتر به سوی انگاره‌های غیرشخصی رفته و بر مبنای نظام‌های اقتصادی بلندمدت - انگارانه و موسسات اقتصادی بزرگ ساخت اداره شود. به دیگر سخن، رابطه‌ای مستقیم میان فرایندهای اندازه و عدد، فاصله اجتماعی، غیرشخصی شدن روابط اجتماعی، شیئی شدن اشکال جامعه، عقلانی شدن قوانین و روابط اجتماعی و رشد و دادوستد مبنی بر پول موجود است.



شکل شماره (۱): نمایه رابطه متقابل پول و غربت و بیکانگی

منبع: (تنهایی، ۱۳۸۹: ۲۱۵)

هومنز

اصول بنیادی کار هومنز را معمولاً می‌توان به شرح خود وی در ۶ گزاره توضیح داد. او خود مسر بود که پایه توضیحات خویش را با توجه به فضای روان‌شناختی که افراد و گروه‌ها درگیر آن هستند توضیح دهد، تحلیلی که می‌تواند در مقیاسی کلان استفاده شود. به دیگر سخن می‌توان گفت که اگر چه کاربری پژوهشی نظریه هومنز، گونه‌ای از کاربری در مقیاس موضوع‌های خرد بود، اما شالوده نظریه هومنز یا دیگر دادوستدیان الزاماً محدود به جامعه‌شناسی خرد نیست و می‌تواند تحلیل‌های تضادی و کنش بر مبنای احتساب سود و زیان را در مقیاس‌های میانی و کلان نیز مورد مطالعه قرار دهد.

۱. گزاره‌ی انگیزه یا گزاره‌ی تاریخ:

اگر در گذشته و تاریخ تجربه فرد یا جامعه‌ای، رخداد و یا انجام عملی موجب تنبیه و یا پاداش بوده است، به دلیل همین تجربه تاریخی احتمال می‌رود که مشابه آن عمل در صورتی که تکرار پاداش را نوید دهد در زمان حال نیز تکرار شود. این گزاره به نوعی تحلیل و تبیین تاریخی می‌تواند روابط احتمالی موجود بر سر مثلاً تضاد اعراب و اسرائیل را پیش‌بینی کند.

۲. گزاره‌ی پیروزی یا موفقیت و یا گزاره‌ی سازمانی:

از میان تمام اعمالی که افراد یا گروه‌ها در یک موقعیت سازمانی، در زمانی مشخص انجام می‌دهند آن دسته از الگوهای رفتاری پایدار و تکراری می‌شوند و با اشکال ثابت و منظم باز تکرار خواهند شد که بیشترین پاداش را از گروه یا سازمان و یا نهاد اجتماعی خویش دریافت کرده باشند.

۳. گزاره‌ی ارزش:

به هر میزانی که نتیجه عمل فردی توسط دیگران ارزشمندتر شناخته شود، نشانگر مساله‌ی تایید یا پذیرش اجتماعی است، این عمل با ارزش شناخته شده و در ساخت رفتاری او قوام بیشتری می‌گیرد یا در آینده بیشتر تکرار می‌شود.

۴. گزاره‌ی محرومیت-سیری:

بر اساس این گزاره، به هر میزانی که پاداش هر کرداری به طور منظم فعال‌تر، تکراری‌تر و نزدیک‌تر به هم باشد کمتر می‌توان تکرار آن را در آینده انتظار داشت. این گزاره ناشی از توجه هومنز به روحیه‌ی فردگرایی و کنش‌گری آدمی در جهان صنعتی و مدرن است. گزاره محرومیت-سیری می‌تواند هم معنی با نظریه‌ی اقتصادی قانون چرخش‌های کاهیده و یا قانون خاموشی در نظریه‌ی رفتارگرایی در روان‌شناسی اسکینر باشد.

۵. گزاره پرخاشگری-پذیرش یا گزاره‌ی تضادی:

هر گاه در روابط اجتماعی پاداش عملی کمتر از انتظار و چشم داشت باشد و یا تنبیه ناموجه و یا زیادتر از انتظار به دنبال داشته باشد پرخاش فرد در برابر دیگری را به دنبال خواهد داشت، همین پرخاشگری به

عنوان ارزشی از سوی فرد پذیرفته و اجرا می‌شود. زیرا که در برابر شرایط مورد توافق و قرارداد، به گونه مطلوب و مورد انتظار انجام نشده است. این گزاره تبیین‌کننده روابط تضادگرایانه در نظریه هومنز می‌باشد. ۶. گزاره‌ی خردمندانه یا حسابگرانه - نگرانه حسابگرانه‌ی فردی:

در میان دو کنش؛ انتخاب فرد به حاصل ضرب ارزش و احتمال نتیجه مربوط می‌شود: $(VXP=C)$ یا (ارزش X احتمال = انتخاب) یعنی هرچه احتمال و ارزش نتیجه از نظر فرد بیشتر باشد فرد در میان کشاکش دو راه، راه محتملاً سود آفرین‌تر را بر می‌گزیند (تنهایی، ۱۳۸۹: ۳۳۷-۳۳۶). این نظریه‌های هومنز را می‌توان در جامعه فعلی و مدرن که فردگرایی رشد بیشتری داشته است در بعدها‌ی اقتصادی، اخلاقی، قانونی و نوع‌دوستانه مسئولیت‌پذیری اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار داد.

دیدگاه‌های مدیریت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

از جمله این دیدگاه‌ها نظریه‌ی راولز است. راولز در کتاب نظریه عدالت در زمینه مسئولیت اجتماعی سه اصل زیر را بیان می‌کند: ۱. هر شخص نسبت به کل سیستم اجتماعی حقوق مساوی دارد، ۲. هر نوع نابرابری اجتماعی و اقتصادی باید به نفع محروم‌ترین طبقات برنامه‌ریزی شود، ۳. هر اداره شغل یا موقعیتی باید به عنوان یک فرصت برابر عادلانه بر روی همگان گشوده شود (Ravelz, 1971: 302). کارول (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای که با عنوان هرم مسئولیت اجتماعی بنگاه منتشر کرد برای هر بنگاه چهار دسته مسئولیت اجتماعی قابل شده است به تعبیری دیگر او مسئولیت اجتماعی هر بنگاه را برآیند چهار مولفه زیر می‌داند:

۱. مسئولیت‌های اقتصادی: بنگاه‌ها موظفند نیازهای اقتصادی جامعه را برآورند و کالاها و خدمات مورد نیاز آن را تامین کنند و انواع گروه‌های مردم را از فرایند کار بهره‌مند سازند.
۲. رعایت قوانین و مقررات عمومی: به بهداشت و ایمنی کارکنان و مصرف‌کنندگان خود توجه کنند، محیط زیست را نیالایند، از معاملات درون سازمانی بپرهیزند، دنبال انحصار نروند و مرتکب تبعیض قومی و جنسی نشوند.

۳. رعایت اخلاق کسب و کار: در این قلمرو اصولی چون صداقت و انصاف و احترام جای دارد انتظار می‌رود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مد نظر داشته باشند و به آن‌ها احترام بگذارند.

۴. مسئولیت‌های بشردوستانه: تعبیر دیگر کارول از این مولفه، یعنی شهروند خوب بودن است و این یعنی، مشارکت بنگاه در انواع فعالیت‌هایی که از معضلات جامعه بکاهد و کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشد (Carroll, 1999: 269 & Cruz, 2007: 19).

کارول بر این باور است که حیات بنگاه به حیات جامعه بستگی مستقیم دارد و بنگاه، درون‌داده‌های خود را از جامعه می‌گیرد و برون‌داده‌های خود را به درون جامعه می‌ریزد، بنابراین، مسئولیت‌های اجتماعی بنگاه‌ها، همه‌جانبه و فراگیر است و آن‌ها باید در حل معضلات اجتماعی، با جامعه مشارکت ورزند. وی این

مسئولیت‌ها را به هر می تشبیه کرده است که هر چه از قاعده مسئولیت‌های اقتصادی به سمت راس مسئولیت‌های بشردوستانه آن پیش رفته شود، از شدت و وسعت مسئولیت‌ها کاسته شود.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی از نظر دراکر به صورت ذیل خلاصه می‌شود:

۱. پرداختن تمام و کمال به مسئولیت و وظیفه، رسالت اصلی بنگاه است. یعنی اگر وظیفه‌ی آن تولید خودرو است، این کار را به بهترین وجه ممکن انجام دهد و در مسیر تکامل و بهبود آن مستمر بکوشد.

۲. مسئولیت فرآورده‌ها و خدمات: سازمان و مدیران آن در برابر پیامدها و عوارض محصولات خود مسئول هستند و باید در برابر آن پیامدها مسئول نگاه داشته شوند.

۳. مسئولیت فرایندها: سازمان و مدیران آن نسبت به فرایندهای تولید مسئول هستند، فرایندهای تولید نباید هزینه‌ی اجتماعی تولید کنند و چنانچه از روی ضرورت چنین وضعی رخ دهد، میزان آن هزینه‌ها باید در کمترین حد ممکن باشند. مثلاً اگر بنگاه مورد نظر، تولیدکننده‌ی انواع نئوپان باشد، این کار نباید با ویران کردن منابع جنگلی همراه باشد به طوری که ضایعات آن به ویژه چسب و مواد شیمیایی محیط زیست را آلوده نکند، ذرات معلق و غبار را مهار کند و در موارد ناگزیر نظیر آلودگی صوتی آسیب را به کمترین میزان ممکن برساند (امینی، ۱۳۸۷: ۴۸).

۴. مسئولیت اخلاقی: بنگاه و مدیران آن باید در دادوستد کسب و کار، به اصول اخلاقی متعارف جامعه احترام گذارند و خود را به اصول آن مقید و پایبند بدانند (Duraker, 1984: 26). دراکر نتیجه می‌گیرد که بخشی از این مسئولیت متوجه بنگاه و بخشی از آن متوجه نهادهای ذی‌صلاح مانند دولت و سازمان‌های وابسته به آن است، آن‌ها باید امکان تولید پروژه حل یک معضل و نابسامانی اجتماعی را در یک فرصت و کسب بررسی کنند.

روش پژوهشی

برای آزمون رابطه بین عوامل اجتماعی در نظر گرفته شده در این تحقیق با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی از روش پیمایش با تکنیک پرسشنامه استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد و طیف مورد استفاده در طراحی پرسشنامه از نوع طیف لیکرت می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کارکنان (رسمی) شهرداری کلان شهر تبریز می‌باشد که منظور از کارکنان شامل آن بخشی از کارکنان در شهرداری می‌باشد که با شهرداری تبریز به صورت مستقیم جهت اشتغال دارای قرارداد کاری و مستخدم رسمی آن مجموعه بوده و از شهرداری تبریز حقوق و مزایا به صورت مستقیم دریافت می‌نمایند که تعداد آن‌ها طبق اعلام کارگزینی شهرداری تبریز ۶۷۸ نفر است. یکی از فرمول‌های معمول برای محاسبه حجم نمونه فرمول کوکران است: $n = \frac{N \times t^2 \times p \times q}{d^2}$ در فرمول فوق معمولاً؛ حداکثر اشتباه مجاز (d) معادل ۰/۰۵، ضریب اطمینان ۰/۹۵، $t = 1/96$ و مقادیر p و q نیز هر کدام معادل ۰/۵ و حجم جامعه $N =$ در نظر گرفته می‌شود. مقدار P برابر با ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. زیرا اگر $P = 0/5$ باشد n حداکثر مقدار ممکن خود را پیدا می‌کند و این امر سبب می‌شود که نمونه به حد کافی بزرگ باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸). در

این فرمول N مساوی ۶۷۸ نفر که طبق فرمول کوکران، تعداد نمونه مورد نیاز برای کارکنان ۲۴۹ نفر می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری از نوع روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با توجه به چارت سازمانی و آمار کارکنان زن و مرد فعال در بخش‌های اداری مختلف شهرداری تبریز می‌باشد.

در خصوص اعتبار پرسشنامه از مستندات پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی مرادی به تعداد ۳۵ گویه در چهار بعد قانونی، اقتصادی و اخلاقی و نوع‌دوستی استفاده و بهره‌برداری شده است. مرادی در مقاله‌ی خویش در خصوص تاثیر جامعه‌پذیری سازمانی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شرکت نفت کرمانشاه بیان می‌دارند: "به منظور بررسی قابلیت داده‌ها جهت انجام تحلیل عاملی تاییدی، از آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO) استفاده گردید که مقدار ماتریس ۰/۸۶۴ است. بنابراین به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه لازم نیست." نامبرده هم‌چنین از آزمون کفایت کروییت بارتلت نیز استفاده و اعلام داشته‌اند: "در سطح ۹۵ درصد معنادار است. جهت پایایی ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید، نتایج نشان می‌دهد که طیف‌ها از پایایی بالاتر از ۷۵ درصد که در پژوهش‌های اجتماعی مد نظر است برخوردارند." علاوه بر استناد به پایایی مرادی، مجدداً با تغییرات اندکی که در پرسشنامه‌ی مسئولیت‌پذیری با توجه به نوع محیط اداری شهرداری لحاظ گردید، پایایی با تکنیک آلفای کرونباخ در پرسشنامه‌های توزیع شده در بین ۳۵ نفر از کارکنان شهرداری بررسی و پایایی معادل ۸۵ درصد ملاحظه گردید.

یافته‌های توصیفی

بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری کلان‌شهر تبریز برای ۲۴۹ نفر از نمونه برابر با عدد ۱۳۵ می‌باشد، هم‌چنین ملاحظه می‌شود ۱۴/۰ درصد از نمونه مورد مطالعه مجرد و ۸۶/۰ درصد متأهل می‌باشند که بیشترین فراوانی مربوط به نمونه متأهل می‌باشد. ۱۷/۷ درصد از نمونه مورد مطالعه زن و ۸۲/۳ درصد مرد می‌باشند که بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تعداد کارکنان زن و مرد تعیین شده است. میانگین سنی کارکنان نمونه انتخاب شده ۴۰ سال می‌باشد و درآمد میانگین ماهیانه نمونه مورد مطالعه برابر ۲۴۱۶۰۰۰ تومان با انحراف استاندارد ۳/۷۳۱۷۱ به دست آمده است، به طوری که حداقل درآمد ماهیانه‌ی هر فرد نمونه مورد مطالعه ۸۰۰ هزار تومان و حداکثر آن ۴ میلیون تومان می‌باشد. سطح تحصیلات ۰ درصد از نمونه مورد مطالعه بی‌سواد، ۱/۷ درصد ابتدایی، ۴/۶ درصد راهنمایی، ۳/۸ درصد متوسطه، ۲۰/۷ درصد دیپلم، ۱۶/۹ درصد فوق‌دیپلم، ۲۸/۳ درصد لیسانس، ۲۱/۵ درصد فوق لیسانس، ۲/۱ درصد دکتری و ۰/۴ درصد حوزوی می‌باشد که بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات لیسانس و کمترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات حوزوی می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی

بر اساس اطلاعات به دست آمده در مطالعات پیمایشی، ملاحظه می‌شود که مقدار ضریب همبستگی بین میزان همنشینی با دوستان با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری با سطح معنی‌داری $p=0/023$ به دست آمده است که این مقدار کمتر از سطح خطا (0/05) است و مشخص می‌شود که آماره‌ی آزمون در ناحیه‌ی H_1 قرار می‌گیرد، بنابراین خلاف فرض صفر (ادعای محقق) تایید می‌شود. به عبارت دیگر فرضیه‌ی پژوهشی این مقاله تحقیقی مبنی بر این که «بین میزان همنشینی با دوستان با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم وجود دارد» در سطح خطای 5٪ تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی طبق تعاریف نظری بیشتر از دو بخش عمده ترکیب وظایف و تعهد اجتماعی مورد نظر اندیشمندان قرار گرفته است. مسلماً عوامل اجتماعی متعددی، احتمال رابطه معنی‌داری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند داشته باشد. چنانچه در مطالعات انجام یافته قبلی نیز برخی از این موارد بررسی شده و با نظریه‌های موجود تبیین و تحلیل شده است. در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز باید گفت که این متغیر را در چهار بعد: قانونی، اخلاقی، اقتصادی و نوع‌دوستی مورد سنجش قرار داده‌ایم. رابطه‌ی متغیر میزان همنشینی با دوستان با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شهرداری تبریز معنی‌دار می‌باشد به عبارتی این متغیر جزء متغیرهای فعال جمعی اوقات فراغت می‌باشد که با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه دارد که در این خصوص می‌توان استنباط و استدلال کرد که با استفاده از نظریه دورکیم میزان همنشینی با دوستان نشانی از همبستگی اجتماعی و جامعه‌پذیری در بین نمونه‌ها می‌باشد که مرادی نیز در نتیجه تحقیق خویش در این خصوص به رابطه معنی‌دار بین جامعه‌پذیری سازمانی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین کارکنان شرکت نفت دست یافته بودند.

هم‌چنین با توجه به چارچوب مطالعات نظری رابطه معنی‌داری همنشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از منظر بیرهوف قابل تایید می‌باشد. بیرهوف معتقد است که مسئولیت اجتماعی دارای دو معنی است: معنای نخست به بسط توجه به دیگری و اطمینان از رفاه دیگران در زندگی جمعی اشاره کرد که وی این بخش را در ارتباط با همدلی می‌بیند و در معنای دوم دست یافتن به اهداف فردی بدون در نظر گرفتن انتظارات به حق دیگران که وی آن را در ارتباط با احساس گناه می‌داند (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۲۲۵). بیرهوف مسئولیت اجتماعی را برای جوامع کنونی عمدتاً با تقسیم کار بالا و پیچیدگی روابط مشخص نمی‌شوند لازم دانسته و معتقد است که روابط افراد با یکدیگر می‌بایست با معیارهای اخلاق اجتماعی تنظیم گردد. این امر از یک سو باعث می‌شود تا ما در بسیاری رفتار و عملکردهای خویش که صرفاً ناظر به اهداف فردی و شخصی است تجدید نظر کنیم و نیز از سوی دیگر تا بسیاری از رفتارهای ما برای

دیگران و بر عکس، رفتار دیگران برای ما در موقعیت‌های مختلف اجتماعی قابل پیش‌بینی گردد. پس رابطه دوستانه و همنشینی ناظر بر همدلی می‌باشد که با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه دارد. رابطه معناداری همنشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی هم‌چنین با نظریه علمی زیمل نیز می‌تواند قابل تبیین باشد به صورتی که هر چقدر ارتباط عاطفی در بین کارکنان در اثر همنشینی دوستانه افزایش یابد بر میزان فاصله اجتماعی تاثیر گذاشته و می‌تواند با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه داشته باشد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از نگاه وبر یک خصیصه اخلاقی است که معطوف به اهداف جمعی است تا فردی. لذا به زعم او داشتن رفتار مسئولانه درقبال دیگران و توجه به مبانی ارزش‌های جمعی در جامعه نوین که در آن کنش‌ها هر چه بیشتر عقلانی و معطوف به اهداف شخصی شده است، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد. در چنین جوامعی هر چه کنش‌ها عاطفی و معطوف به ارزش‌های اخلاقی و دوستانه باشد می‌تواند فردگرایی را کاهش دهد که این کنش‌ها بیشتر از طریق همنشینی دوستانه محقق خواهد گردید.

پیشنهادهای

- میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین کارکنان هر مجموعه‌ای علی‌الخصوص مجموعه‌ی اداری نظیر شهرداری مسلماً از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و سطح این میزان می‌تواند در رشد و توسعه‌ی یک شهر و ساکنانش تاثیرگذار باشد لذا بررسی عوامل مرتبط با آن برای بالابردن سطح میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای اهمیت شایانی است که در این تحقیق نمونه‌ای از این عوامل مورد سنجش قرار گرفت لازم است دیگر عواملی که به نوعی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین افراد مرتبط است مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

- نتایج تحقیق نشان می‌دهد همنشینی دوستانه در جنبه مثبت و حسن اخلاقی می‌تواند در مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان رابطه علمی داشته باشد. فلذا پیشنهاد می‌گردد با برگزاری اردوهای مختلف گردشگری و تفریحی به صورت هدف‌مند ارتباط دوستانه مدیران با ابواب جمعی خویش و ارتباط کارکنان با کارکنان تقویت گردد.

منابع

- ابزری، م. (۱۳۸۶). مسئولیت اجتماعی و اخلاق کار در مدیریت کیفیت نوین. فرهنگ مدیریت. سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۴۲-۵. آذر، ا. (۱۳۷۰). روان‌شناسی فردی. ترجمه: ز، شرف‌شاهی. تهران: انتشارات تصویر. چاپ دوم.
- ارل، ب. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: ر، فاضل. تهران: نشر سمت. جلد اول.
- ارون، ر. (۱۳۸۶). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه: ب، پرهان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ پنجم.
- استونز، ر. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه: م، میردامادی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- اسکویی، ص. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان. پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

- بورديو، پ. (۱۳۷۹). تکوین تاریخی زیباشناسی ناب. **فصلنامه‌ی ارغنون**. ترجمه: م، فرهادپور. شماره ۱۷.
- بورديو، پ. (۱۳۸۱). **نظریه کنش**. ترجمه: م، مردی‌ها. تهران: انتشارات نقش نگار.
- بیرهوف، ه. (۱۳۸۷). **رفتارهای اجتماعی مطلوب**. ترجمه: ر، صدقی‌نژاد. تهران: نشر سمت.
- تنهایی، ج. (۱۳۸۹). **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات بهمن.
- جنکینز، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۵). ترجمه: ل، جوافشانی و دیگری. صص ۱۳۶-۱۳۵.
- حساس یگانه، ی؛ و دیگری. (۱۳۹۳). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سیر تکامل مفاهیم و تعاریف. **حسابدار رسمی**. شماره (۳۹) پیاپی ۵۹.
- ربانی، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۰). **مبانی جامعه‌شناسی**. تهران: آوای نور.
- رضائیان، ع. (۱۳۸۷). **رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)**. دانشگاه تهران: انتشارات دانشکده مدیریت. چاپ اول.
- رضائی‌راد؛ و همکاران. **بررسی رابطه بین برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت با مسئولیت‌پذیری کارکنان در حمایت از محیط زیست**. دانشگاه مشهد، طرح پژوهشی.
- رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۷). تاثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل. **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. صص ۱۶۰-۱۳۹.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). **نظریه‌ی جامعه‌شناسی دوران معاصر**. ترجمه: م، ثلاثی. نشر علمی.
- زاهدی اصل، **جامعه‌شناسی فراغت**. جزوه درسی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۹.
- سازمان ملی جوانان**، (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان.
- سایت مجازی شهرداری تبریز - معاونت توسعه و برنامه‌ریزی شهرداری کلان شهر تبریز**.
- ستوده، ه. (۱۳۹۲). **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)**. صص ۳۳-۳۲.
- سمرقندیان، ع. (۱۳۹۰). **مدیریت اوقات فراغت**. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری مشهد. مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت.
- شریفیان، م؛ و دیگران. (۱۳۷۶). **چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان**. تهران: دبیرخانه شورای عالی جوانان. ص ۳.
- فیاض، ا؛ و دیگری. (۱۳۹۲). **دلالت‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزه‌های اسلام**. مقاله ارائه شده به اولین همایش مجازی ره‌آوران آموزش.
- کوزر، ل؛ و دیگری. (۱۳۸۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی**. فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
- کوهستانی، ح؛ و دیگری. (۱۳۷۸). **پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن**. مشهد: انتشارات تپه‌و. ص ۴۸.
- گودزی، م؛ و دیگری. (۱۳۷۹). تحلیل میزان و نوع فعالیت‌های فراغتی و ورزشی استادان دانشگاه تهران. **مجله حرکت**. شماره ۴.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۶). **با همکاری کرن برد سال، جامعه‌شناسی**. ترجمه: ح، چاوشیان. تهران: نشر نی.
- لومسدن، ل. (۱۳۸۰). **بازاریابی گردشگری**. ترجمه: م، ابراهیم گوهریان. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مرادی، ف. (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران با مسئولیت‌پذیری کارکنان، (مطالعه‌ی موردی دانشگاه سمنان). **فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی**. سال دوم.
- مرادی، گ. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر جامعه‌پذیری سازمانی بر مسئولیت اجتماعی کارکنان، (مورد مطالعه شرکت نفت کرمانشاه). **مجله جامعه‌شناسی کاربردی**. دوره بیست و چهارم، شماره سوم، صص ۹۶-۷.
- مرتضوی، س. (۱۳۸۹). بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر اهمیت مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی. **مجله علوم اجتماعی**. دانشگاه فردوسی مشهد. صص ۲۱۷-۱۹۳.
- مهرآئین، م. (۱۳۸۹). **حوزه‌های تخصصی جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نریمان‌زاده. (۱۳۹۱). **بررسی رابطه بین سبک زندگی دبیران با میزان مسئولیت‌پذیری آنان در شهرستان ملکان**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

نصیری‌پور و همکاران. (۱۳۹۱). رابطه بین ارائه تسهیلات رفاهی با مسئولیت‌پذیری کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی نور. **مجله سلامت و بهداشت**. شماره سوم، صص ۳۷-۲۸.

- Cardebat, J and et al. (2010). What corporate social responsibility reporting adds to financial return? **Journal of Economics and International finance**. P.p: 20-27.
- Carroll, A. B. (1979). **A three dimensional model of corporate social performance**. Academy of Management Review. P.p: 497-505.
- Carroll, A. B. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: toward the moral management of organizational stakeholders. **Business Horizons**. (Jul - Aug), P.p: 39-48.
- Carroll, A. B. (1998). The four faces of corporate citizenship. **Business and Society Review**. P.p: 1-7.
- Carroll, A. B. (1999). Corporate social responsibility - evolution of a definitional construct. **Business & Society**. P.p: 268-295.
- Fleming, M. (2002). **what is safety culture? Rail Way safety ever green**.
- Friedman, M. (1970). The Social Responsibility of Business Is to Increase Its Profits. **The New York, Times Magazine**.
- John srud, Pk. (2002). Faculty members moral and their intention to leave. **Journal Vov zooz**. 10(9):136.
- Markman, K. D Tettlok, P. E. (2000). **Accountability and close call counterfactuals, The loser who nearly won and the winner who nearly lost, Personality and Social**.
- Rawls, J. (1971). A Theory of Justice, Cambridge, Mass: Harvard University Press. **Psychology Bulletin**. 26, P.p:1213-1214.
- Schuyt, T. Smit, J. Bekkers, B. **Constructing a Philanthropy-scale: Social Responsibility and Philanthropy**, Vrije Universiteit, Department of Philanthropy, Faculty of Social Sciences, Amsterdam, the Netherlands.
- Walker, W. J. (2009). **Predicting two types of proactive socialization tactics: the roles of context, experience, and age**, A Dissertation Presented to the Academic Faculty, in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the College of Management, Georgia Institute of technology.
- Wentzel, K. R. (1991). "Social Competence at School: Relationn between Social Responsibility and Academic Achievement". **Reviewed Educational Research**. V. 61, P.p: 1-24.